

ارتش سایه و پیمانکاران مرگ در عراق

آمریکایی که نمی شناسیم - بخش دهم

نوشته عبدی کلانتری

طی روزهای اخیر، در کنگره آمریکا (قوه مقننه ایالات متحده)، یک کمپانی آمریکایی تحت بازجویی قرار گرفته است. رئیس این کمپانی، که به ندرت در انظار ظاهر می شود، هرگز مصاحبه مطبوعاتی نمی کند، و تا امروز از او تصویر یا شرح حالی در جایی ثبت نشده برای نخستین بار موظف شده مقابل دوربین تلویزیون قرار گیرد و به سؤالات نمایندگان مردم در کنگره پاسخ دهد.

نام این کمپانی آمریکایی «بلک واتر» است. بلک واتر یک شرکت خصوصی پیمانکار نظامی است؛ یکی از چندین کمپانی بزرگ شبه نظامی که وزارت دفاع آمریکا با آنها قراردادهای میلیارد دلاری می بندد و وظایف نظامی و امنیتی را که خود نمی تواند عملی کند، به عهده آنها می گذارد. این کمپانی های خصوصی به موازات قوای نظامی آمریکا عمل می کنند؛ اما تابع قوانین ارتش نیستند. سلسله مراتب، رهبری، و عملیات ویژه آنها محرمانه می ماند و به رسانه ها درز پیدا نمی کند. رزمندگان این کمپانی ها یک ارتش سایه را تشکیل می دهند.

هم اکنون در عراق، تعداد کارکنان کمپانی هایی نظیر بلک واتر، به تعداد کارکنان ارتش آمریکا در عراق است. در برنامه امروز نیلگون و برنامه بعدی، درباره پیمانکاران نظامی، ارتش های خصوصی، و جنگ های سایه وار صحبت خواهیم کرد، از سلسله برنامه های "آمریکایی که نمی شناسیم".

کشتار شانزدهم سپتامبر

در روز شانزدهم سپتامبر یک هیأت وزارت امور خارجه آمریکا که وسیله نقلیه آنها توسط کامیون نظامی اسکورت کمپانی بلک واتر محافظت می شد، از جاده ای در یک منطقه پرجمعیت در شهر بغداد عبور می کرد. پلیس عراق بازحمت سعی داشت تا با متوقف کردن ترافیک، راه را برای کامیون های

نظامی باز کند. در میان شلوغی، یک اتوموبیل عراقی وارد میدان شد که گفته می شود به موقع به اخطار پلیس توجه نکرد. مأموران کمپانی بلک واتر به روی اتوموبیل عراقی آتش گشودند و راننده آن را کشتند.

به گفته شاهدان، مأموران کمپانی بلک واتر سپس چیزی شبیه نارنجک دستی به سمت اتوموبیل پرتاب کردند و آن را به آتش کشیدند. بلک واتر بعداً در گزارش رسمی خود ادعا کرد که اتوموبیل عراقی حامل شورشیان مسلح بود. اما در داخل اتوموبیل، نه کسی از اعضای شبکه القاعده و نه عضوی از ارتش مهدی، بلکه یک خانواده جوان عراقی — یک مرد، یک زن، و یک کودک — حضور داشتند. جرم آنها تنها این بود که در شلوغی ترافیک دستپاچه شده و به موقع اتوموبیل را متوقف نکرده بودند. طبق گفته شاهدان، پس از واقعه، اجساد مادر و طفل او در یکدیگر ذوب شده بودند. بلافاصله پس از به آتش کشیدن اتوموبیل عراقی، تیراندازی در منطقه آغاز می شود، و مردم هراسان از ترس جان به هرسو می گریزند. شاهدان توصیف می کنند که محافظان کمپانی بلک واتر به جمعیت شلیک می کردند. حدود بیست عراقی به قتل می رسند و به گفته پزشکان، سایر زخمی شدگان نیز در شرایط وخیمی به سر می برند و به احتمال زیاد تعداد قربانیان بالاتر نیز خواهد رفت.

کمپانی بلک واتر ادعا می کند طبق قانون عمل کرده و جان آمریکاییان را در یک میدان جنگی نجات داده است. دولت عراق مدعی است ویدئویی در اختیار دارد که نشان می دهد تیراندازی بدون دلیل صورت گرفته است. یکی از بازماندگان واقعه که چهار گلوله از پشت به او اصابت کرده، حقوقدانی عراقی ست به نام «حسن جابر سلمان» که در اتوموبیل خود پشت سر کامیون محافظ حرکت می کرده است. او می گوید در ابتدا صدای انفجاری از دوردست شنیده شد که به دلیل مسافت دور نمی توانست تهدیدی به شمار رود؛ اما به او دستور داده می شود که دور زده و از منطقه دور شود. او این کار را می کند اما بلافاصله تیراندازی آغاز می شود و اتوموبیل او نیز دوازده بار هدف قرار می گیرد و چهار گلوله به او اصابت می کند. حسن جابر سلمان می گوید، «زن ها و بچه هایی را می دیدی که اتوموبیل هایشان را ترک کرده و روی زمین به این سو و آن سو می خزیدند تا هدف قرار نگیرند. اما تیراندازی متوقف نمی شد. یک پسر ده-یازده ساله از شدت ترس از یک مینی بوس پایین پرید و یک گلوله به سر او اصابت کرد. مادر او ترسان و گریان پشت سر پسرش بیرون جهید و بلافاصله او نیز تیر خورد و کشته شد.» (هفته نامه «نیشن» Nation پانزده اکتبر ۲۰۰۷، ص ۲۱)

دستورالعمل شماره ۱۷، و «خودمختاری» دولت عراق

پس از واقعه شانزدهم سپتامبر فعالیت های کمپانی بلک واتر برای نخستین بار مورد بازرسی کنگره آمریکا قرار گرفت. در هفته ای که گذشت، بازرسان کنگره آمریکا گزارش دادند که پیمانکاران امنیتی کمپانی بلک واتر در عراق از سال ۲۰۰۵ تاکنون، ۲۰۰ مورد برخوردهای مسلحانه داشته اند. طبق این گزارش برخوردهای خشونت آمیز کارکنان کمپانی بلک واتر بارها به قتل شهروندان غیرنظامی عراقی منجر شده است، بدون آنکه تهدیدی متوجه این کارکنان شده باشد (هفته نامه «ویک» Week، دوازده اکتبر ۲۰۰۷، ص ۳). در گزارش کنگره، کمپانی بلک واتر و مقامات وزارت امور خارجه آمریکا متهم به لاپوشانی و پنهان کردن حقایق این قتل ها شده اند؛ از جمله قتل یک محافظ شخصی عراقی در سال ۲۰۰۵ توسط یکی از مأموران بلک واتر که هنگام تیراندازی مست بوده است.

چرا کمپانی بلک واتر از چنین اختیارات وسیعی برخوردار است؟ درست پس از حمله نظامی آمریکا به عراق و اشغال این کشور، کمپانی بلک واتر در تابستان سال ۲۰۰۳ طی یک قرارداد ۲۷ میلیون دلاری، وظیفه محافظت از فرماندار آمریکایی عراق، آلباسادور «پل برمر» را به عهده گرفت. از آن پس بلک واتر وظیفه محافظت از سفرا و سایر کارکنان وزارت امور خارجه، از جمله خانم کاندالیزا رایس، و اعضای هیأت های بازرسی کنگره را نیز تقبل کرده است. از ابتدای کار تاکنون، قراردادهای حفاظت از مقامات آمریکایی مبلغی بیش از هفتصد میلیون دلار را شامل بوده است. (هفته نامه نیشن، ۱۵ اکتبر ۲۰۰۷، همان جا)

در تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۰۴، آلباسادور پل برمر، درست یک روز مانده به پایان مأموریتش در عراق، فرمانی صادر کرد که به نام «دستورالعمل شماره ۱۷» (Order 17) شناخته می شود. طبق این دستورالعمل همه پیمانکاران خصوصی آمریکایی که در خاک عراق به فعالیت های مختلف مشغولند و با دولت ایالات متحده قرارداد بسته اند از مصونیت قانونی برخوردارند و به هیچ نحو توسط مقامات قضایی عراق قابل پیگرد نیستند. به عبارت دیگر اگر پیمانکاران آمریکایی طبق قوانین دولت عراق مرتکب جرم یا جنایتی شوند، دولت عراق که دولتی «خود مختار» اعلام شده، قادر نیست آنان را تحت تعقیب قانونی قرار دهد.

یک پیمانکار خصوصی امنیتی به روزنامه واشنگتن پست می گوید، «از همان ابتدا همواره به ما گفته اند چنانچه اتفاق ناگواری روی دهد و عراقی ها در صدد برآیند شما را به دادگاه بکشانند، بلافاصله سوار

ماشیتان کرده و شما را بی سر و صدا در تاریکی شب از عراق خارج می کنیم.» (هفته نامه نیشن، ۱۵ اکتبر ۲۰۰۷، ص ۲۳)

طبق گزارش هفته نامه نیشن، کسی که محافظ شخصی معاون رئیس جمهور وقت عراق، عادل عبدالمهدی، را به قتل رساند به همین شیوه از عراق بیرون فرستاده شد. کمپانی بلک واتر ادعا می کند این شخص را اخراج کرده است. خود عبدالمهدی در یادداشتی که به کاندالیزارایس نوشته (و در وزارت امور خارجه موجود است)، می گوید، «برای یک عراقی فهم این نکته مشکل است که چطور یک فرد خارجی می تواند یک عراقی را به قتل برساند و بعد آزادانه به کشورش باز گردد.» (هفته نامه نیشن، ۱۵ اکتبر ۲۰۰۷، همان جا)

دستورالعمل شماره ۱۷ به روشنی یک قانون استعماری و ناقض هرگونه خودمختاری دولت عراق است. این دستورالعمل نظیر قانون کاپیتولاسیون در زمان سلطنت خاندان پهلوی در ایران است. نوری المالکی نخست وزیر کنونی عراق می خواهد این قانون ملغا شود؛ اما وزارت امور خارجه آمریکا حاضر به این کار نیست و خانم رایس آن را برای حفاظت جان اتباع آمریکایی لازم می داند.

غنائم جنگی

جنگ برای کمپانی های پیمانکار نظامی در آمریکا و بریتانیا منبع درآمد مهمی است (موضوع برنامه آینده نیلگون). بدون جنگ، این کمپانی ها قادر به ادامه فعالیت نیستند. طبق آمار «دفتر رسیدگی به حساب های دولتی» (Government Accountability Office) وابسته به دولت آمریکا، هم اکنون ۱۸۰ شرکت خصوصی مزدور که دولت ایالات متحده با آنها قرارداد بسته در عراق به فعالیت مشغولند. این کمپانی ها در مجموع ده ها هزار نفر را در استخدام خود دارند. بدون جنگ عراق و اشغال نظامی این کشور، کمپانی های پیمانکار جنگی بخش بزرگی از درآمد و اشتغال خود را از دست می دهند.

به گفته سرمقاله نویس روزنامه «سانفراسیسکو کرانیکل» کاخ سفید اگر می خواست به جای پیمانکاران خصوصی از نیروی ارتش استفاده کند می بایست «ریسک سیاسی» بزرگی را متقبل می شد، اما وجود ۱۶۰ هزار پیمانکار خصوصی در عراق — کابوی هایی که به هیچ کس جوابگو نیستند و هیچ علاقه ای هم به تسخیر «قلب ها و ذهن ها»ی عراقی ها ندارند — کار کاخ سفید را ساده کرده است (هفته نامه ویک، دوازده اکتبر ۲۰۰۷، همان جا).

طی دوران اشغال عراق، درآمد کمپانی بلک واتر به طرز بی سابقه ای بالا رفته است. بنا به گزارش نیویورک تایمز، قراردادهای پنتاگون با بلک واتر تا سال ۲۰۰۱ حدود یک میلیون دلار در سال بود. اما اکنون مبلغ این قراردادها به بیش از یک میلیارد دلار در سال رسیده است (همان جا).

واشنگتن پست در مقایسه حقوق ارتشیان آمریکا با درآمد کارکنان بلک واتر می نویسد حقوق ژنرال پتریوس، سرفرمانده نیروهای نظامی آمریکا در عراق، ۴۹۳ دلار در روز است. در حالیکه پیمانکار خصوصی شرکت بلک واتر در عراق روزانه ۱۰۷۵ دلار دریافت می کند (هفته نامه ویک، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۷، ص ۱۶).

طبق گزارش «انستیتوی مطالعات سیاست های دولتی» (Institute for Policy Studies) حقوق سالانه رؤسای اصلی کمپانی های پیمانکار نظامی از تاریخ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تا امروز بین ۲۰۰ تا ۶۸۸ درصد افزایش داشته است. هم اکنون حد متوسط حقوق سالانه رئیس یک کمپانی پیمانکار نظامی دوازده میلیون دلار است. برخی دو برابر این مبلغ حقوق می گیرند. مثلاً سال گذشته، آقای «نیکولاس شاپرایا» (Nicholas Chabraja) رئیس کمپانی جنرال داینمیکس ۳۲ میلیون دلار، و آقای «دیوید لیزار» (David Lesar) رئیس کمپانی هالی برتن ۳۰ میلیون دلار حقوق سالانه دریافت کرده اند. (هفته نامه نیشن، ۲۲ اکتبر ۲۰۰۷، ص ۵) بنا به محاسبه هفته نامه نیشن اگر یک ژنرال عالی رتبه آمریکا بخواهد چنین مبلغی به دست آورد باید صد و هفتاد سال و چهل و دو هفته و پنج روز کار کند.

پیمانکاران مرگ

این پیمانکاران مرگ و سرمایه گذاران کلان جنگی چه کسانی هستند؟ رئیس و صاحب امتیاز کمپانی بلک واتر مردی است ۳۸ ساله به نام «اریک پرینس» (Erik Prince). او مردی با عقاید افراطی مذهبی است که در آمریکا آنها را به نام «راستگرایان مسیحی» (کریستیان رایت) از فرقه اونجلیکال می شناسند. اریک پرینس در کارزار انتخاباتی جرج بوش مبلغ هنگفتی خرج کرد تا او را به پیروزی برساند (هفته نامه نیشن، پانزده اکتبر ۲۰۰۷، ص ۲۱). طبق گزارش نیویورک تایمز، آقای پرینس در سال های اخیر ۲۲۵ هزار دلار به حزب جمهوری خواه کمک کرده و خواهر او نیز در سال ۲۰۰۴، صد هزار دلار به حساب کارزار انتخاباتی بوش - چینی واریز کرده است (هفته نامه ویک، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۷، ص ۳).

در میان هیأت رئیسهء کمپانی بلک واتر، یک مأمور سابق سازمان مرکزی اطلاعات و امنیت آمریکا (CIA) به نام «ج. کوفر بلک» (J. Cofer Black) حضور دارد که پیش از این مسئول عملیات تحویل فوق العاده extraordinary rendition بود. «رندیشن» عنوانی است که CIA برای عمل دزدیدن مظنونان به تروریسم، زندانی و شکنجه کردن آن‌ها در خانه‌های مخفی خارج از خاک آمریکا گذاشته است. فرد دیگری که در هیأت رئیسهء بلک واتر حضور دارد مردی است به نام «جوزف شمیتس» (Joseph Schmitz) که از نزدیکان وزیر سابق دفاع آمریکا دانلد رامسفلد است و به هنگام وزارت رامسفلد مقام بازرس کل پنتاگون را به عهده داشته است.

پس از حادثهء تیراندازی ۱۶ سپتامبر در محلهء منصور بغداد، رئیس و کارکنان شرکت بلک واتر تحت بازرسی کنگرهء آمریکا قرار گرفتند. اما آیا کنگرهء آمریکا قادر خواهد بود بر وزارت امور خارجه و کاخ سفید فائق آید و به حضور پیمانکاران مرگ و ارتش سایه در عراق پایان بخشد؟
/// هفتم اکتبر ۲۰۰۷

ویراستار متن: شیدا دیانی